



نمود شخصیتی در کتب کودکان با نگاهی به اهمیت کودکی در متون دینی با تکیه بر سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام

علی گودرزی زاده

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت- دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی- دانشگاه آزاد اسلامی اراک

مژگان محمدی نائینی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی- دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی- دانشگاه آزاد اسلامی اراک

چکیده

یکی از بهترین راهکارها جهت محقق شدن تربیت دینی برای کودکان، آشنا نمودن آنها با مطالعه کتاب‌های دینی و مذهبی در سنین کودکی است. این مقاله بر آن است تا نکاتی از سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام را در دو بخش ارائه نماید. بخش اول برخی نکات تربیتی است با توجه به اهمیت کودکی در اسلام و بخش دوم نگاهی مستقل به سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام و بیان نکات تربیتی آن برای کودکان می باشد. این پژوهش با روش تحلیل محتوا، مولفه های هویت تربیتی و فرهنگی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. مطالعه حاضر یک مقاله مروری با جستجو واژه های تربیت، سیره معصومین علیهم السلام، اسلام، شخصیت کودکان در پایگاه های معتبر داده های اطلاعاتی و همچنین ۱۰ داستان دینی و مذهبی از میان ۲۸ عنوان مقاله با کلید واژه تربیت کودکان؛ هویت یابی و آموزه های دینی که توسط نویسندگان ایرانی نوشته شده بودند بررسی گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش چک لیست بوده و به صورت کتابخانه ای بررسی گردید. نتایج حاصل از بررسی مولفه ها در زمینه هویت دینی و تربیتی نشان داد، مولفه های «علاقه به داستان های مذهبی» با ۴۴/۷ درصد، «علاقه به موضوعات تربیت دینی» با ۴۲/۰ درصد دارای بالاترین درصد فراوانی بوده است.

واژگان کلیدی: شخصیت؛ کتب کودکان؛ اسلام؛ تربیت؛ اهل بیت علیهم السلام.



مقدمه

کتاب بهترین وسیله انتقال میراث ادبی از نسلی به نسل دیگر است. بیگمان نقش برجسته ادبیات این است که ما را یاری دهد تا میراث فرهنگی خود را بشناسیم و آن را ارج نهیم ایجاد نگرش مثبت نسبت به فرهنگ خودی و سایر فرهنگها برای رشد فردی و اجتماعی افراد جامعه ضروری است و آثار ادبی برگزیده بیانگر حضور این فرهنگها میزان مشارکتها و ارزشهای گوناگون هریک از آنهاست. کودک به کمک ادبیات با شیوههای برخورد انسانها و دشواریهای زندگی خود آشنا می شود و از شخصیت های داستانها می آموزد که چگونه با گرفتاریهای مشابه مواجه شود و احساسات دیگران را درک کند. انسان در کودکی به ارزشهایی دست می یابد که آثار آنها در بزرگسالی بر او پدیدار می شود (سلیقه، ۱۳۹۹). بدون شک تربیت اصولی فرزندان از ضروریترین وظایف پدر و مادر می باشد. اجرای این وظیفه خطیر، حساس و ظریف بدون تکیه بر ایده های صاحب نظران آگاه و مطمئن میسر نمی گردد. ما به عنوان مسلمان و عضوی از جامعه اسلامی تشیع معتقدیم که معصومان علیهم السلام در همه ابعاد هدایتی و تربیتی الگوهایی کامل بی بدیل به شمار می آیند و نصب العین نمودن منش و شیوه های تربیتی ایشان در مسیر تحقق وظیفه خطیر تربیت فرزندان، بهترین ره توشه است (بناری، ۱۳۷۹). دوران کودکی و نوجوانی، دورانی است که در آن شخصیت فرد پایه ریزی می شود و شکل می گیرد. اسلام به عنوان کامل ترین آئین الهی، فراگیرترین برنامه های تربیتی را از سوی خداوند برای شکوفاسازی قابلیت های انسان به ارمغان آورده است. از آنجا که برنامه های تربیتی اسلام در مرحله نظری دستورالعمل هایی است که به صورت کلی بیان شده و اجرایی ساختن و تنظیم رفتارها بر اساس آن به آسانی میسر نیست، قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را به مثابه الگوهای عملی و تبیین کننده در مسائل دینی معرفی نموده است (شیخ زاده، ۱۳۸۷). معصومان علیهم السلام همه نور واحد بوده، هدف مشترک داشتند؛ ولی به اقتضای گوناگونی موقعیتها در سیره تربیتی آنان دیدگاهها و رفتارهای تربیتی گوناگون به چشم می خورد. کنار هم نهادن مجموعه دیدگاهها و رفتارهای تربیتی آنان الگویی کامل از نظام تربیتی اسلام عرضه می کند. این مهم تنها با علاقه مند کردن کودکان به مطالعه محقق می شود. برای داشتن آگاهی از مسائل دینی و مذهبی و رسیدن به بینش و نگرشی مذهبی لازم است از دوران کودکی گام برداشت. ادبیات کودکان با توجه به نیازهای مخاطبان آن شکل می گیرد. نویسنده کودک باید ویژگیها، نیازها و علایق مخاطب را بشناسد. این شناخت، از طریق مطالعه درباره کودک، بررسی کتابهای مورد علاقه کودکان و نظرسنجی از آنان و کسانی که با آنان سروکار دارند، به وجود می آید (پورمرادی، ۱۳۹۸). باید به کودکی همانند یک ریشه نگریست که آینده را خواهد ساخت و هرچه در کودکی آموخته شود عمیق تر در ذهن می ماند، نهادینه می شود و تاثیرگذارتر خواهد بود. پس اگر در همان کودکی عقاید مذهبی و دینی برای کودک تبیین شود مسیر درست و شایسته تری را انتخاب خواهد کرد و نوجوانی، که روزهای پر اضطراب و پر تشویشی است را به شکل عاقلانه تری پشت سر خواهد گذاشت. بنابراین مطالعه ی کتابهای کودک و نوجوان کمک شایانی به آنها خواهد کرد (سلیمی، ۱۳۹۱). کتاب نقش بسیار مهمی در آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان دارد. کودکی و نوجوانی دورانی است که شخصیت فرد باید ساخته و پرداخته شود؛ زیرا با بالا رفتن سن، به سختی علایق و اعتقادات تغییر می کند. لذا باید متوجه تغذیه روحی کودکان و نوجوانان خود از کتاب بود (شعاری نژاد، ۱۴۰۱). به طور کلی، اهداف ادبیات کودکان را می توان در این موارد خلاصه کرد. برانگیختن ذوق و علاقه ی کودکان، آشنایی با مسایل گوناگون زندگی، سود بخشی اوقات فراغت، شکوفایی استعدادهای ذهنی، آشنایی با جهان و فرهنگ های مختلف، آماده کردن کودک برای شناخت، دوست داشت و ساختن محیط، شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی، میل به اعتدالی مداوم و ایجاد عادت به مطالعه از این رو دوران کودکی، پدیده ای شگرف است که انسان را، امیدوار می کند که روزی در این سیاره، انسانها بتوانند با تفاهم و دور از تعصب با یکدیگر همزیستی کنند. این همه در گرو آشنایی کامل کودکان، با ادبیات خود و پیگیری مسرائه آنان است. بسیار شنیده



ایم که عادت به مطالعه، باید از کودکی آغاز شود و به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»، بنابراین، مطالعه کودکان باید، مطالعه متفکرانه باشد نه تقلیدی. مطالعه، باید راهگشای فکر باشد و چنین مطالعه ای نسبت مستقیم با پرسش دارد. که این سبب رشد کودک در همه ی جوانب می شود. (اسد نژاد، ۱۳۹۷). ژان پیاژه نظریه پرداز و متخصص تعلیم و تربیت که در زمره روانشناسان قرار دارد، در حقیقت یک معرفت شناس است. او به رشد عقلانی کودکان و اینکه آنها چگونه همه اطلاعات دریافتی توسط حواس خویش را پردازش می کنند، علاقه مند بود. پیاژه مراحل رشد قدرت استدلال کودکان را شناسایی کرد که به شرح زیر می باشد:

- ۱- پایه ای ترین سطح از تولد تا دو سالگی است که کودک، جهان را به صورت فیزیکی کشف می کند.
- ۲- مرحله ی بعد، دو تا چهار سالگی را مرحله پیش تصویری می نامد. در این مرحله، حل کردن مشکلات بدون فعالیت فیزیکی وجود دارد اما کودکان هنوز فاقد قدرت استدلال اند.
- ۳- حدود چهار تا هفت سالگی که هنوز مرحله ی پیش تصویری است، کودکان براساس ظاهر نه بر اساس عقل، قضاوت می کنند.
- ۴- از هفت سالگی به بعد، کودکان قادر به تفکر انتزاعی نیستند.
- ۵- تنها در مرحله بعد از حدود دوازده سالگی است که کودکان مهارت های افکار رسمی و استدلال های منطقی خود را گسترش می دهند (حجازی، ۱۳۹۷). لذا، با توجه به توانایی های مختلف کودکان و تهیه آثار مورد نیاز آنان، می توان به تاثیر داستان در تحریک و تشویق آنان به مطالعه بیشتر پی برد. به همین جهت، داستان نویسی برای کودکان به دقت و ظرافت خاصی بستگی دارد و این تفکر غلطی است که نوشتن داستان برای کودکان کار آسانی است و هر داستانی که زبانی کودکانه داشته باشد می تواند در این دسته قرار بگیرد. بلکه داستان باید با دقت، و پشتوانه علمی و مهارت نوشته شود و حدود سنی کودکان لحاظ شود. ما نیازمند شناختی عمیق و واقع بینانه از کودک و آثار ادبیات کودکان هستیم. رسیدن به چنین شناختی سبب بالیدن نسلی اندیشه ورز خواهد شد که بکاود، بخواند، بپرسد و روی پای فرهنگ خود بایستد (پریخ و ناصری، ۱۳۹۰). لذا محققان توانمند و خلاق، می بایست در این راه قدم گذاشته و در خصوص آثار منتشر شده با دقت و صرف زمان بسیار در، درست شکل گیری پایه های فکری کودکان امروز و والدین فردا گام بردارند. این راه اگر چه بسیار طولانی و با سختی های فراوان همراه است، اما پرداختن به آینده ی کودکان، اهمیتی صد چندان دارد و امید به افق های باز برای آثار کودکان، تلاش در این مسیر را مضاعف می کند (رجب پور و جهانشاهی، ۱۳۹۰). انسان ترکیبی از استعدادها و قوای جسمی و روحی است. پیامبر اسلام در حدیثی انسان ها را به معادن ارزشمند تشبیه کرده است و فرموده است: "مردم معدن هایی هستند مانند معادن طلا و نقره "هنگامی که این استعدادها به شکوفایی نرسند، زندگی انسان بیهوده خواهد بود و کسی که هدف مشخصی دارد، همواره در مسیر کمال و پیشرفت گام نهاده و خود را به هدف نزدیک تر می کند (قاسم پور مقدم، ۱۳۸۷). پس انسان های دور از تربیت، انسان هایی دور از حیات فرهنگی و اعتقادی، دور از پیشرفت و انسان هایی بی هدف هستند. کودکان در خردسالی تربیت پذیری بیشتری دارند زیرا در این سن، آن ها به راحتی و آسانی فرمان برداری کرده و سریع تر تحت تاثیر قرار می گیرند. در این دوران هنوز عاداتی که مانع از اطاعت کودکان شود به وجود نیامده و آن ها اراده قوی ای ندارند تا از اطاعت سر باز زنند. بنابراین اگر کودک خردسال به کاری عادت کند، چه خوب چه بد، این عادت در بزرگسالی به آسانی تغییر نمی کند. اگر کودکان به روش های نیکو و خوب انس و عادت پیدا کنند، این عادت در آن ها مستقر شده و رو به افزایش خواهد بود. در مقابل اگر کودکان در این دوره به حال خود رها شوند یا با بی بند و باری مواجه شوند، دچار فرزند سالاری شده و به آن عادت کرده و با شروع نوجوانی و بزرگسالی دچار انحراف می شوند. همچنین خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: "هرگاه برگردانده می شدند به آنچه از آن نهی شدند، دوباره به آن دچار گشتند." با دقت در این آیه برداشت می شود که باید از راه تعلیم و تلقین افراد را به فضیلت ها عادت دهیم.

بزرگ‌ترین اشتباه در تربیت کودکان این است که کودکان را به حال خود رها کرده تا آزادانه و بی‌هیچ قید و شرطی پرورش پیدا کنند. کسی که در دوران کودکی آزادانه از تمایلات خود پیروی کرده است، در دوران رشد و بزرگسالی نیز نمی‌تواند تمایلات خود را تعدیل و تنظیم کند. به همین دلیل است که آنچه انسان در دوران خردسالی یاد می‌گیرد، مانند نقشی می‌ماند که در سنگ ایجاد شده و به آسانی محو نمی‌شود (دهقانی، ۱۳۹۸).

تاثیر آموزش احادیث و روایات بر شخصیت کودکان

در رابطه با چگونگی آموزش مفاهیم دینی به کودکان اختلاف نظرهایی وجود دارد. گروهی معتقدند پیش از بلوغ نباید به کودک آموزش دینی داد و گروهی عکس این نظر را معتقدند. از نظر اسلام، به ویژه براساس سیره و رهنمودهای معصومان علیهم السلام، آموزش مفاهیم دینی از هنگام تولد شروع می‌شود و آموزش در دوره کودکی پایه و اساس در دوره های دیگر است. (محمدیان و رحیمی، ۱۳۹۳) از طرفی، آموزش صحیح و مؤثر بدون در نظر گرفتن توانایی ذهنی کودک مطلوب نیست و ممکن است کودک را نسبت به یادگیری دلسرد و یا در یادگیری او اختلال ایجاد نماید. از این رو، آموزش مفاهیم دینی به کودکان گرچه امری بسیار مقدس و والا است، اما موفقیت در آن، در گرو آگاهی و شناخت اصول و روش های آموزشی متناسب با آن است. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در به انجام رساندن آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد. آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به کارگیری اصول و روش های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. بنابراین، همان گونه که شناخت خصوصیات و توانایی های کودکان در بهینه سازی آموزش مفاهیم دینی امری مسلم است، شناخت اصول و روش های مربوط به آموزش مفاهیم دینی کودکان دبستانی نیز ضرورت دارد. بدین ترتیب، اگر آموزش مفاهیم دینی کودکان بدون توجه به اصول و روش های صحیح آموزشی انجام پذیرد، مصداق این سخن امام صادق علیه السلام خواهد بود که: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا»؛ کسی که بدون بصیرت دست به انجام کاری می‌زند، مانند رونده در بیراهه ای است که هرچه سرعتش بیش تر باشد، از مقصد دورتر خواهد شد. بنابراین، آنچه باید بدان توجه داشت و این نوشته نیز در پی آن می‌باشد، این است که درک و برداشت کودک از مفاهیم دینی با بزرگسالان یکسان نیست؛ آنان در حد ظرفیت ذهنی خود مطالب دینی را می‌فهمند و برآن اساس، جهان بینی خود را می‌سازند. با توجه به سخن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله که فرمود: «ما پیامبران موظفیم با هر کس مطابق درک و فهم او صحبت کنیم»، (باقری، ۱۳۹۶) اگر آموزش مفاهیم دینی برای دانش آموزان دوره ابتدایی به گونه ای حساب شده صورت نگیرد، نه تنها از تأثیرات سازنده ای برخوردار نمی‌گردد، بلکه می‌تواند پیامدهای زیانباری به دنبال داشته باشد. از این رو، هدف اصلی این مقاله دستیابی به نمودهای شخصیتی کودکان با نگاهی به اهمیت کودکی در اسلام با تکیه بر سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام، نظرات دانشمندان تعلیم و تربیت و نیز اندیشمندان اسلامی است (مروجی، ۱۳۸۹). افسانه ها و قصه ها به عنوان شاخه ای از ادبیات عامه، پیوند خود را با تاریخ و دین حفظ کرده اند و بستری مناسب برای بازآفرینی شخصیت های تاریخی و دینی فراهم آورده اند. پیامبران، ائمه و اولیای خدا یکی از جلوه های بارز شخصیت های یاریگر قهرمانان قصه اند. اغلب، این شخصیت ها در تقابل نیروی خیر و شر ظاهر می شوند و در چالش هایی که ضدقهرمان برای قهرمان ایجاد کرده است، قهرمان را یاری می دهند. در این بین، حضرت سلیمان علیه السلام به سبب ارتباط با موجودهای فراواقعی و سوررئال که پیوسته حضوری پررنگ در قصه ها دارند، و اشیای منسوب به او از پربسامدترین نیروهای یاریگر قهرمانان قصه ها هستند. داستان هایی نظیر شهادت حضرت زکریا علیه السلام یا شخصیت اسکندر در ماجراهایی نظیر طلب آب حیات مطابق با بینش و پسند عامه بازآفرینی شده اند. افسانه ها و قصه ها به عنوان شاخه ای از ادبیات عامه، پیوند خود را با تاریخ و دین حفظ کرده اند و بستری مناسب برای بازآفرینی

شخصیت های تاریخی و دینی فراهم آورده اند (مقدسی پور، ۱۳۸۱). محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل والدین به ودیعت نهاده است. اما آنچه در این میان مهم می نماید و آثار تربیتی در پی دارد ابراز آن است. این امری اختیاری است و والدین و مربیان می توانند در پرتو آن زمینه تربیت صحیح رافراهم آورند. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی کنند در حالی که محبت وقتی سازنده و تاثیر گذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد. اهل بیت علیهم السلام به عنوان الگوهای تربیتی مطمئن و کامل محبت به فرزندان را از نیازهای ضروری آنان دانسته، در قالب های گوناگون به ابراز آن می پرداختند. گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، زمانی با بوسیدن آنان و گاه با به زبان آوردن کلمات شیرین و محبت آمیز به ایشان محبت می نمودند (باقری، ۱۳۹۶). یکی از شیوه های تربیتی دیگر مورد اتفاق صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت، شیوه کارآمد تشویق است. تشویق به جا و متناسب با فعالیت انجام شده، به ایجاد انگیزه در فرد منجر شده، به تکرار و تقویت رفتار می انجامد. چه بسا فرزندان از ارزش و اعتبار صفات مثبت خود آگاهی نداشته، در نتیجه به شخصیت حقیقی و توانمندی های ثبت خویش پی نبرده، خود را در مقایسه با دیگران ناچیز به شمار آورند. از این رو والدین و مربیان باید ویژگی های مثبت فرزندان را کشف و برجسته سازند؛ مورد ستایش و تشویق قرار دهند. در فرهنگ اسلامی که تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در کانون توجه است. بر تشویق فرزندان هنگام بروز رفتارهای دینی و برجسته کردن صفات اخلاقی و معنوی آنان بسیار تاکید شده است. (فلسفی، ۱۳۹۵) در دین مبین اسلام فراگیری مورد تاکید شدید بوده و رهبران دینی پیروان خویش را به یادگیری و دانش اندوزی، به ویژه معارف و معالم دین، تشویق نموده اند. بر اساس بیانات گهربار معصومان (علیهم السلام)، معلمان و مربیان، به ویژه آنان که در تعلیم آموزه های دینی در تلاشند، حقی بزرگ برجامعه دارند و لازم است که تلاش صادقانه شان مورد قدرانی قرارگیرد تا رغبت و انگیزه مضاعفی یابند. در احادیث شیعی نقل شده است که یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام به نام «جعفر» نزد معلمی به نام عبدالرحمن آموزش می دید. معلم عبارت «الحمدلله رب العالمین» را به جعفر آموزش داد. زمانی که جعفر این جمله را برای حضرت امام حسین علیه اسلام قرائت نمود، حضرت، معلم ایشان را فراخواندند و هزار دینار و هزار حله... به او هدیه دادند. زمانی که حضرت به خاطر پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفتند، در جواب فرمودند: «انی تساوی عطیتی هذا بتعلیمه الحمدلله رب العالمین». هدیه من برابر با آموزش «الحمدلله رب العالمین» است (بناری، ۱۳۷۹). شناخت صحیح استعدادها، توانایی ها، کاستی ها، نیازها و نیروهای جسمانی و روانی کودکان در مراحل مختلف سنی از عوامل بسیار مهم و کارساز امر آموزش و پرورش به شمار می آید. نخستین ویژگی کودکان دبستانی این است که نوآموز سال اول دبستان از هر حیث با نوجوان دبیرستانی تفاوت دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی و شناسایی بخش هایی از توانش های شناختی کودکان دبستانی خواهیم پرداخت که ارتباط بیش تری با آموزش پذیری مفاهیم دینی این دوره دارد. کودک در این دوره وارد مرحله جدیدی از رشد عقلی (ذهنی) می شود که پیازه آن را مرحله «عملیات عینی» نامیده است. «این دوره، به این دلیل عملیات عینی خوانده می شود که با وجود رشد استعدادهای ذهنی و عقلی در کودک، هنوز عملیات ذهنی وابستگی به جهان خارج دارد و حل مسائل در گرو ارتباط مستقیم و عینی است (کریمی، ۱۳۹۰).

تاثیر کتب تربیتی دینی بر شخصیت کودکان

موریس دبس نیز درباره رشد و تحول عقلی کودک دوره ابتدایی می گوید: «در این دوره، فکر هیأت جدیدی به خود می گیرد. فکر مرکب از مناسبات، جانشین فکر در هم آمیخته دوره پیشین می گردد و کودک به مدد آن از جهان خارجی تعبیری می کند که به علم ما درباره جهان بسیار نزدیک تر است... بر اثر رشد و اثرگذاری های محیط تربیتی، فکر کودک حول چند مفهوم اساسی، یعنی مفهوم زمان، مکان، عدد، علت، حرکت و نظایر آن که معلومات محسوس را متحد می سازند، سازمان می یابد (موریس، ۱۳۹۶). یکی

از اساسی ترین ویژگی ها که می تواند در آموزش مفاهیم دینی به ما کمک کند وجود گرایش دینی و میل به سوی امور مذهبی در کودک است. ما معتقدیم، مفاهیم اساسی دین اسلام، از قبیل اعتقاد به خدا و دین، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک، و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگار است. علاقه مندی کودک به دین و خدا اکتسابی نیست، بلکه این علاقه در درون او وجود دارد و در سنین پس از بلوغ به شکوفایی آشکار می رسد. کودک فطرتی خدا آشنا دارد، تعلیم و تربیت در اصل عهده دار رشد و شکوفایی و تقویت این گرایش های فطرتی است و معلم پرورش دهنده آن هاست. در این زمینه، به فرمایش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می نماییم که فرمود: «کل مولود یولد علی الفطره حتی یكون ابواه یهودانه و ینصرانه» هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و این پدر و مادر او هستند که او را از مسیر فطرت سلیم خود منحرف ساخته، یهودی یا نصرانی می سازند(هاشمی، ۱۳۹۸).

سهولت یکی از ارکان مهم و کلیدی در یادگیری و آموزش کودکان است. منظور از اصل سهولت این است که در آموزش مفاهیم دینی به کودکان، باید توان شناختی، عاطفی و انگیزشی کودکان را در نظر گرفت و از زیاده روی، خشونت و سخت گیری در روند آموزشی پرهیز نمود؛ زیرا هدف از آموزش مفاهیم دینی، برانگیختن شوق و رغبت کودکان به یادگیری آموزه های دینی است و نه صرفا انتقال آگاهی های دینی. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره این سخن را تکرار نموده اند که «آموزش دهید و آسان بگیرید و سخت گیری نکنید» چرا که «خداوند مرا سخت گیر و سرسخت مبعوث نفرمود، بلکه مرا آموزگاری آسان گیر مبعوث نموده است». حال با توجه به اصل آسان گیری در آموزش های اسلامی، رعایت این اصل در آموزش مفاهیم دینی به کودکان از اهمیت بیش تری برخوردار است؛ زیرا بنابر آنچه در بررسی ویژگی های کودکان بیان شد، مفاهیم دینی اموری هستند که با فطرت کودک سازگارند و نیازی به تحمیل و سخت گیری ندارند، سخت گیری زمانی است که آموزه هایی خلاف خواست فطری کودک به گونه ای برای او ترسیم و تکرار شود که آن را بدون فکر و اندیشه بپذیرد از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده که می فرمایند: والدین کاری را که انجام آن برای کودک آسان و ساده است بپذیرند و آنچه را که انجامش بر وی سنگین و غیر قابل تحمل است از او انتظار نداشته باشند (مقدسی پور، ۱۳۸۲). اعتقاد دینی وقتی در دوران کودکی پایه ریزی شود دین فطرت سلیم کودک را اقناع خواهد کرد. چرا که مسائل اصیل دین همان چیزهایی است که فطرت کودک با آنها آشناست. کودک وقتی می شنود که انسان باید پاک و امین باشد با جان و دل می پذیرد، اعمال مذهبی برایش سخت و سنگین نمی شود. بنابراین ضرورت پرداختن به دین در ادبیات کودک و نوجوان چه به صورت داستان چه به صورت شعر احساس می شود. اهمیت ادبیات و هنر در شکل دهی به شخصیت معنوی و اخلاقی انسان در دوره کودکی و تأثیر شدید آن بر کودکان از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده و در این زمینه بحث های زیادی صورت گرفته و نظریات گوناگونی داده شده است که بعضی از آنها هنوز هم از اعتبار و ارزش بالایی برخوردارند. یکی از آن سخنان مربوط به فیلسوف و اندیشمند بزرگ، یونانی افلاطون است. وی در کتاب جمهوریت معتقد است که باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می کنند به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می کند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

دانشمندان تعلیم و تربیت با توجه به توانایی های ویژه دوران کودکی در آموختن مفاهیم و معارف، رعایت اصل تدریج را مسأله مهمی تلقی نموده اند که غفلت از آن نتایج جبران ناپذیری به بار خواهد آورد. در این مجال به آراء تنی چند از آنان اشاره می کنیم. آموزش کودک باید بر اساس مراحل رشد طبیعی آدمی صورت گیرد. بر همین اساس، دست یافتن کودک به مرحله بعدی را، آن گاه برای او ممکن می داند که مرحله نخست را پیموده باشد. وی با توجه به اصل تدریج در آموزش سرعت و شتابزدگی را زیان است؛ طبیعت،



شایستگی های برتر آدمی را همانند گوهری که در صدف پنهان است، در او پنهان کرده است. اگر صدف را پیش از وقت بشکنید، گوهری ناقص خواهید یافت. بنابراین، آموزش مفاهیم دینی دارای مراحل و درجات است و این مراحل و درجات به دلیل تفاوت در رشد استعدادهای شناختی، عاطفی، انگیزشی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات دانش آموزان است، به گونه ای که نمی توان هر مطلبی را در هر مرحله ای آموزش داد، بلکه مطالب باید متناسب با سطح فکر و قدرت درک دانش آموزان باشد. به عنوان مثال، آموزه های وجود خداوند، توحید، معاد و مانند آن ها در دوره ابتدایی نمی تواند در قالب استدلال های پیچیده عقلانی و مفاهیم انتزاعی آموزش داده شوند، بلکه باید با زبانی ساده، جذاب و آسان بیان گردند؛ و مفاهیم انتزاعی، براهین فلسفی و منطقی را به دوره هایی موکول کرد که استعداد لازم برای فهم آن ها در دانش آموزان پدیده آمده باشد (مقدسی پور، ۱۳۸۲). امروزه نیز جدا از احادیث و روایات روشن و محکمی که در مورد شدت و عمق نقش پذیری کودکان به ما رسیده تحقیق های دست اندرکاران مسائل تربیتی نشان می دهد که کودکان تا حدود ده سال معمولاً مطالب کتاب هایی را که می خوانند باور می کنند و به آنها اعتماد کامل نشان می دهند به همین دلیل است که مربیان، کتابداران، پدران و مادران هنوز همواره دغدغه آن را داشته اند که مبدا غذای روحی ای که به عنوان کتاب به فرزندان خود می دهند مسموم یا آلوده باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹). همان گونه که پیروان نظریه گشتالت، یادگیری را عبارت از کسب بینش دانسته و عقیده دارند اگر دانش آموز آنچه را که در مدرسه می آموزد واقعاً بفهمد و نسبت به آن بصیرت حاصل کند به آسانی می تواند به موقعیت های جدید انتقال دهد، صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی نیز به آموزش بر اساس فهم و آگاهی بخشی تأکید می کنند، بلکه برخی با تمایز بین مفهوم فهم و بصیرت با حفظ کردن و به خاطر سپردن، معتقدند فهم یا بصیرت پایه و اساس یادگیری را تشکیل می دهد. بنابراین، آنچه باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان، مورد توجه معلمان قرار گیرد، تأکید بر درک و آگاهی مفاهیم است، ضمن این که حفظ و تکرار و تلقین شرط لازم آموزش در سنین کودکی است ولی کافی نیست. این حقیقت را می توان در کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام یافت که می فرماید: «فُضِّلَ فِکْرٌ وَ تَفْهَمٌ أَنْجَعُ مِنْ فُضْلِ تِکْرَارٍ وَ دِرَاسَةٍ» یادگیری ای که بر اساس تفکر و فعالیت فکری دانش آموز باشد، به مراتب سودمندتر از تکرار و مرور آن است.

بهره گیری از تمثیل بهترین روش برای هر چه بیش تر آشکار ساختن مطالب برای رده سنی کودکان می باشد، که منجر به تفهیم ساده تر و در نتیجه، درک بهتر و سریع تر آن هاست. از این رو، استفاده از مثال یک شیوه قرآنی است. قرآن کریم با استفاده از این روش، حقایق و مفاهیم عقلی و غیر محسوس را در قالب حکایات و مثال های سودمند، به گونه ای در ذهن مخاطب ملموس و مجسم می سازد تا به این ترتیب ماهیت امر برای مردم روشن و آشکار گردد و آنان به خوبی به حقیقت موضوع پی ببرند. پیامبر مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نیز در بسیاری از موارد برای القا و تفهیم آموزه های عالی دینی و تبیین مطالب عقلی، از مثال آوری بهره برده اند. اگرچه اعتقاد به خدا و دین در کودکان فطری است و نیازی به اثبات ندارد، اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند، و در سنین دبستان می توان آن ها را به زبانی ساده مطرح کرد. بنابراین، استفاده از مثال یکی از روش های مناسب در آموزش مفاهیم دینی و اصول اعتقادی به کودکان است؛ زیرا گاه می توان با ذکر یک مثال مناسب و هماهنگ با مقصود، مطلب و مفهوم عمیق دینی را آسان و برای کودکان قابل فهم و درک نمود. از این رو، مربیان و معلمان می توانند

با استفاده از این روش مفاهیم اعتقادی اسلام را در پرتو مثال هایی ساده و محسوس و ملموس در حد توان کودکان برای آنان آموزش دهند (مقدسی پور، ۱۳۸۲).

تأثیر کتب قصه و داستان دینی بر شخصیت کودکان

تربیت کودکان از اصلی ترین وظایف خانواده محسوب می شود که باید طبق اصول و قواعد خاصی پیش برود. قصه گویی کودکان یکی از موثرترین راه ها برای شکل گیری شخصیت در فرزندان است که می تواند آنها را با جهان، اتفاقات و ارتباطات اطرافشان آشنا کند. روشی که کودک را به افزایش مهارت، رشد خلاقیت، تخیل و تصویرسازی هدایت می کند. امروزه بسیاری از والدین به دلیل دغدغه های فکری و نداشتن وقت کافی، زمانی را برای داستان گویی کودک، صرف نمی کنند؛ در صورتی که قصه گویی کودکان، یک امر مهم و لازم است که در اکثر کشورها به عنوان یک حرفه شناخته شده و فرد پس از آموزش دیدن، در مقابل قصه گویی، دستمزد دریافت می کند (رائیجی، ۱۳۹۹). زبان قصه یا داستان یکی از مناسب ترین روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان است؛ زیرا کودکان شیفته شنیدن قصه و خواندن داستان می باشند و این سبب می شود تا بخش عمده تعلیم و تربیت دینی کودکان از این راه انجام پذیرد. هرچه استفاده از داستان های مناسب بیش تر باشد، تأثیر این آموزش و رسیدن به هدف های مورد نظر آن، ساده تر و سریع تر صورت می گیرد. در اهمیت این روش و بهره گیری از آن، همین بس که در قرآن کریم و تعلیم انبیای الهی و کتاب های آسمانی هم این روش مؤثر، یعنی زبان داستان و قصه برای آموزش، هدایت، القای مفاهیم و پیام های دینی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم بسیاری از مفاهیم، حقایق و آموزه های دینی را در قالب بهترین قصه ها، به زبانی ساده، جذاب و قابل فهم برای مردم بیان نموده است. مثلاً، در داستان حضرت آدم و حضرت عیسی علیه السلام حقیقت و چگونگی آفرینش الهی تفسیر می شود؛ در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام اثبات توحید و یگانگی خداوند و در داستان عزیر کیفیت معاد بیان گردید است. از آن جا که قصه و داستان آموزه ها و حقایق آموزشی را به طور غیر مستقیم بیان می دارد، از نظر روان شناسی تربیتی نیز یکی از مهم ترین و مؤثرترین روش های آموزشی به حساب می آید. بنابراین، معلمان در آموزش مفاهیم دینی به کودکان می توانند با استفاده از این روش، مفاهیم اعتقادی دین اسلام، از قبیل مسأله توحید، نبوت، امامت و معاد را در صورت لزوم در قالب داستان های مناسب و با توجه به مقتضای سن و حالت روحی دانش آموزان دبستانی بیان کنند (مقدسی پور، ۱۳۸۲).

روش تحقیق

مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است بر مقالات زبان فارسی در بازه زمانی سال های ۱۳۷۹-۱۴۰۰ که در مجلات داخلی چاپ و منتشر شده اند و به بررسی مهارت آموزی الکترونیکی با رویکرد معیارهای ورود مطالعه و هدف مطالعه حاضر بوده اند. جستجوی مقالات براساس واژگان کلیدی مهارت آموزی الکترونیکی، یادگیری فارسی؛ الکترونیکی آموزش مجازی، آموزش مهارت محور دانشگاه، دانشجو، استاد و نیز معادل انگلیسی این کلیدواژه ها در پایگاه های اطلاعاتی و استنادی معتبر از جمله - Google scholar - Magiran- Web of Science- Scopus- SID مورد بررسی قرار گرفت. تمام مقالات اصیل جهت ورود به مطالعه جمع آوری و بررسی گردیدند معیارهایی ای غربالگری با اعمال معیارهای ورود و خروج در سه مرحله صورت گرفت: (۱) مقالاتی که واژه های کلیدی در عنوان خود نداشته اند حذف شده اند. (۲) مقالات در قالب چکیده و پایان نامه ها و گزارش همایش کنگره ها و سخنرانی ها از مطالعه خارج شده اند. (۳) مقالاتی که صرفاً چکیده داشته اند از مطالعه خارج شده اند. (۴) مطالعاتی که محتوا با هدف مطالعه مقاربت موضوعی نداشته اند از مطالعه خارج شده اند. ۲۸ مقاله در ابتدای جستجو یافت شد و در مرحله غربالگری (۴ مرحله ابتدایی) ۱۰ مقاله از مطالعه خارج شدند و در مرحله انتهای غربالگری ۱۸ مقاله مرتبط با هدف مطالعه باقی ماندند که مورد ارزیابی محتوایی



قرار گرفت و وارد مطالعه شدند. در این پژوهش برای رعایت اصل، روایی ابتدا مقوله های مورد نظر از مباحث نظری استخراج شد و چک لیست ابتدایی با توجه به مؤلفه های مقوله های تحقیق طراحی شد. در ادامه چک لیست در اختیار استادان دانشگاه صاحب نظران در حوزه ادبیات کودک قرار گرفت و با صلاح دید این افراد چک لیست اصلاح شده و طرح نهایی تهیه شد. روش محاسبه پایایی در این پژوهش از فرمولی که "اسکات" برای مقیاس اسمی ارائه داده ضریب پای اسکات استفاده شده است.

یافته ها

نتایج حاصل از بررسی مولفه ها در زمینه هویت دینی و تربیتی نشان داد، مولفه های «علاقه به داستان های مذهبی» با ۴۴/۷ درصد، «علاقه به موضوعات تربیت دینی» با ۴۲/۰ درصد دارای بالاترین درصد فراوانی بوده است.

بحث و نتیجه گیری

از آن جا این پژوهش در خصوص نمود شخصیتی در کتب کودکان با نگاهی به اهمیت کودکی در اسلام با تکیه بر سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام دارد، به نظر می رسد در میان اصول مطرح شده، آنچه بسیار مهم می باشد، اصل آگاهی بخشی در آموزش مفاهیم دینی است. در دیدگاه اسلام، اعتقاد بر این است که مجموعه مفاهیم و آموزه های اعتقادی، اموری هستند که با سرشت اولیه و دست نخورده کودک و به تعبیر قرآنی، با فطرت او سازگارند. چنان که آیه ۳۰ سوره «روم» خود شاهی بر همین دست مایه های فطری است. فطری بودن مفاهیم اعتقادی حاکی از این است که پیش از هر نوع آموزشی، نوعی کشش به سمت دین، خدا و معاد در نهاد کودک وجود دارد که می تواند پرورش یابد و شکوفا شود. روایت نبوی "کل مولود یولد علی الفطرة" نیز بر همین امر دلالت دارد. بر این اساس، آموزش مفاهیم دینی به کودکان، علی رغم اعتقاد کسانی که آن را در سنین کودکی مناسب نمی دانند، ممکن و قابل اجراست؛ زیرا ما در آموزش مفاهیم دینی به کودکان هرگز به دنبال اضافه نمودن مطلبی بیرون از وجود کودک نیستیم، بلکه غرض از آموزش اعطای بینش و آگاهی، یا به عبارتی، رشد و شکوفاسازی اموری است که در سرشت کودک نهاده شده و فطری اوست. به همین دلیل، در آموزش و انتقال مفاهیم و آموزه های مبتنی بر فطرت، دیگر جایی برای خشونت و سخت گیری، تحمیل عقیده، القاءات و به تبع آن، تقلید کورکورانه باقی نمی ماند؛ چرا که این مفاهیم با آموزش بر اساس فهم و آگاهی به هیچ وجه سازگار نیست. از این رو، مهم ترین اصلی که باید در جریان آموزش مفاهیم دینی به کودکان مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد، اصل آگاهی بخشی است و اصول دیگر نیز با توجه به این اصل مهم و اساسی قابل اجرا می باشند. اما در میان روش های مطرح شده نیز، آنچه بسیار مهم می باشد، استفاده از کتب متناسب با سنین کودکان و فهم و یادگیری ایشان در آموزش مفاهیم دینی است. تجربه های آموزشی ثابت کرده است مفاهیم و آموزه هایی که با استفاده از کتب آموزشی مناسب آموزش داده می شود، علاوه بر سهولت در یادگیری، از جهت کیفی نیز بهتر و پایدارتر است. استفاده از کتب مختص کودکان مانند زبانی مناسب برای بیان حالت و ویژگی های عاطفی و باورهای اعتقادی می باشد. از این رو، با استفاده از کتب مختص کودکان می توان آموزه های دینی را در قالب های قابل ملموس تر و به گونه ای روشن، آسان به آنان آموزش داد.



منابع

- باقری، خسرو (۱۳۹۶)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ چهارم، تهران، انتشارات مدرسه.
- بناری، علی همت (۱۳۷۹)، تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. قم.
- پریرخ، مهری؛ ناصری، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی میزان تاثیر برنامه های کتاب درمانی بر کاهش پرخاشگری کودکان. مجله مطالعات ادبیات کودک شماره ۲، ص ۶۶
- پورمرادی، حرمت الله (۱۳۹۸)، امام حسین علیه السلام و تربیت فرزند، <http://navaymoallem.blogfa.com/>
- حجازی، بنفشه (۱۳۹۷)، ادبیات کودکان، نشر روشنگران، تهران.
- دهقانی، لیلا (۱۳۹۸)، بررسی سلیقه و میزان اقبال نوجوانان مدارس متوسطه اول شهر شیراز به آثار داستانی، مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، ۱۰ (۲)، صص ۴۰-۲۱.
- رجب پور فرخانی، سمیه؛ جهانشاهی، فاطمه (۱۳۹۰)، اثربخشی قصه درمانی در کاهش اختلال رفتاری دانش آموزان ابتدایی پسر. نشریه تفکر و کودک، ص ۱۹.
- سلیقه، مریم (۱۳۹۷)، نقش هنر و ادبیات، شعر و داستان در فرآیند هویتیابی کودکان، اولین همایش ملی هویت کودکان ایرانی اسلامی در دوره پیش دبستانی. یزد.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۴۰۱)، ادبیات کودکان، انتشارات اطلاعات، تهران.
- فلسفی، محمدتقی (۱۳۹۵)، گفتار فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲. انتشارات آگاه.
- قاسم پورمقدم، حسین (۱۳۸۷)، ادبیات کودکان و نوجوانان؛ همراه با نقد و تحلیل نمونه های شعر و قصه ویژه معلمان، دانشجویان و اولیا، چاپ دوم، تهران: موسسه فرهنگی آیندگان.
- کاردان، علی محمد (۱۳۹۵)، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۱، تهران، انتشارات سمت.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۰)، کودک و مدرسه، تهران، انتشارات تربیت.
- محمدیان، بهرام، رحیمی، آسیه (۱۳۹۳)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام. انتشارات قلم.
- مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۹)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، انتشارات سمت.
- مقدسی پور، علی (۱۳۸۱)، اصول و روش های آموزش مفاهیم دینی به کودکان دبستانی، مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- موریس دبس (۱۳۹۶)، مراحل تربیت، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران.
- وسایل الشیعه (۱۳۹۶)، ج ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۶.

The appearance of personality in children's books with a look at the importance of childhood in religious texts based on the upbringing of the Ahl al-Bayt (peace be upon them)

Ali Goodarzizadeh

PHD student of Philosophy of Education - Faculty of
Islamic Education - Islamic Azad University of Arak

Mozhgan Mohammadi Naeeni

Member of the Faculty of Educational Sciences,
Faculty of Islamic Education, Arak Islamic Azad
University

Abstract

One of the best ways to achieve religious education for children is to acquaint them with reading religious books at an early age. This article aims to present some points of the educational life of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in two parts. The first part is some educational points regarding the importance of childhood in Islam, and the second part is an independent look at the educational process of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) and its educational points for children. This research has investigated and analyzed the components of educational and cultural identity with the method of content analysis. The present study is a review article by searching the words education, life of the innocents, Islam, children's personality in reliable information databases, as well as 10 religious and religious stories among 28 article titles with the keywords child education; identification and teachings The religion written by Iranian authors was examined. The tool for collecting information in this research was a checklist and it was checked in a library. The results of the analysis of the components in the field of religious and educational identity showed that the components of "interest in religious stories" with 44.7%, "interest in religious education topics" with 0.42% had the highest frequency.

Keywords: personality, children's books, Islam, education, Ahl al-Bayt, peace be upon them.